[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.24766925.1400.29.91.3.0]

[DOI: 10.61186/jpll.29.91.129]

مقالهٔ علمی ـ پژوهشی

بررسی مؤلفه‌های ادب زبانی در *قابوسنامه* با استفاده از نظریهٔ براون و لوینسون

ابراهیم دانش*

محمدرضا طوسی نصرآبادی**

چکیده

ادب زبانی پدیده‌ای است که معمولاً در تعامل روزمره رعایت می‌شود و چگونگی استفاده از زبان را برای مدیریت روابط بینافردی سخنگویان نشان می‌دهد. *قابوسنامه* از آثار مهم ادب تعلیمی فارسی است که عنصرالمعالی آن را در چهل‌وچهار باب، به‌قصد تربیت فرزندش گیلان‌شاه و آموختن آداب اجتماعی، دانش‌ها و فنون لازم برای زندگی، حکومت، مملکت‌داری و...، تألیف کرده است. ایرانیان از دیرباز این‌کتاب را به‌دلیل ارزش تعلیمی و تربیتی آن گرامی داشته و از حکایات آن برای تربیت فرزندان استفاده کرده‌اند. در این مقاله، بازنمود ادب زبانی در *قابوسنامه* با استفاده از نظریهٔ ادب براون و لوینسون بررسی شده است. یافته‌ها نشان داد که در *قابوسنامه* ادب به‌صورت پدیده‌ای اجتماعی و فرهنگی مفهوم‌سازی شده که حاصل تعامل سازندهٔ افراد و دارای ابعاد فکری، بیانی و رفتاری است. در بعد فکری، مخاطب‌اندیشی و سنجش بافت موقعیتی و تأمل در سخن و دلالت‌ها و تأثیرات مختلف آن؛ در بعد زبانی و بیانی، موازین سخنوری و آداب و احوال سخن؛ و در بعد رفتاری، کنش‌های معنادار یا تأثیرگذار منفی و مثبت در ادب زبانی معرفی و تبیین شده است. در این مقاله، از میان موارد بسیاری که با رویکرد کاربردشناختی زبان و نظریهٔ براون و لوینسون به روش توصیفی‌ـتحلیلی در *قابوسنامه* بررسی شد، ۲۷ نمونه ارائه شده است. ازنظر مؤلفِ *قابوسنامه*، کنش‌های طرفین گفت‌وگو می‌تواند سبب حفظ یا تهدید وجههٔ گوینده و مخاطب شود؛ بنابراین، او راهبردهایی را برای دفاع از وجههٔ طرفین یا ارتقاء آن پیشنهاد کرده است. می‌توان *قابوسنامه* را از کهن‌ترین متون ادب فارسی دانست که به زبان بدن و لزوم استفادهٔ درست از آن در تعامل زبانی و روابط بینافردی اشاره کرده است.

کلیدواژه‌ها: ادب زبانی، ادبیات تعلیمی، نقد زبان‌شناختی، *قابوسنامه*، براون و لوینسون.

* استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه محقق اردبیلی (نویسندهٔ مسئول) e.danesh@uma.ac.ir

** دانشجوی کارشناسی‌ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه خوارزمی mohammadrezatusi1@gmail.com

CC BY NC

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۳/۱۸ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۰/۱۸

دوفصلنامهٔ زبان و ادبیات فارسی دانشگاه خوارزمی، سال ۲۹، شمارهٔ۹۱، پاییز و زمستان ۱۴۰۰، صص ۱۲۹-۱۵۳

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.24766925.1400.29.91.3.0]

[DOI: 10.61186/jpll.29.91.129]

دوفصلنامهٔ زبان و ادبیات فارسی دانشگاه خوارزمی سال ۲۹، شمارهٔ ۹۱، پاییز و زمستان ۱۴۰۰، صص ۱۲۹-۱۵۳

A Study of Elements of Linguistic Politeness in *Qabousnameh* Based on the Brown and Levinson Theory

Ebrahim Danesh*
Mohammad Reza Toosi Nasrabadi**

Abstract

Linguistic politeness is a phenomenon that is usually observed in everyday human interaction and shows how to use language to manage the interpersonal relationships of speakers. Qabousnameh is one of the most important texts of Persian didactic literature, which Onsor Al-Ma'āli wrote in forty-four chapters, with the aim of educating his son, Gilanshah, and his learning about social etiquette, knowledge, and techniques necessary for life, government, statehood, etc. Iranians have long cherished this book because of its didactic value and have used its anecdotes for educating their children. In this article the representation of linguistic politeness in Qabousnameh was studied using the politeness theory of Brown and Levinson. The findings showed that politeness was conceptualized as a social and cultural phenomenon in Qaboosnameh, which is the result of constructive interaction of individuals with mental, expressive and behavioral dimensions: in the mental dimension, consideration of audience and measuring the contextual situation and reflection on speech and its various meanings and effects; in the linguistic and expressive dimension, the standards of eloquence and the etiquette of speech; and in the behavioral dimension, the significant or influential negative and positive speech acts in language politeness were introduced and explained. In this paper, out of many cases that were studied in Qabousnameh, 27 examples were presented using the descriptive-analytical method and the pragmatic approach to the Brown and Levinson theory. According to the author of Qabousnameh, speech acts of the parties to the dialogue can save or threaten the face of the speaker and the audience; therefore, he proposed strategies to save or promote the face of the parties. Qabousnameh can be considered as one of the oldest texts in Persian literature, which mentions body language and the need for its proper use in linguistic interaction and interpersonal relationships.

Keywords: linguistic politeness, didactic literature, linguistic criticism, *Qabousnameh*, Brown and Levinson.

* Assistant Professor in Persian Language and Literature at Mohaghegh Ardabili University, (Corresponding Author) *e.danesh@uma.ac.ir*
** M.A student in persian language and literature at Mohaghegh Ardabili University, *mohammadrezatusi1@gmail.com*

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1400.29.91.3.0]
[DOI: 10.61186/jpll.29.91.129]

۱. مقدمه

مهم‌ترین وظیفهٔ زبان به‌منزلهٔ نهاد اجتماعی، برقراری ارتباط میان سخنوران است. زبان در برقراری ارتباط و ارائهٔ اطلاعات دربارهٔ پیش‌زمینهٔ اجتماعی افراد اهمیت فراوانی دارد (ترادگیل، ۱۹۸۳: ۲۵۱). در فرآیند ارتباط زبانی، طرفین گفت‌وگو سعی می‌کنند ادب و احترام را حفظ کنند. ادب[۱] یکی از زیرشاخه‌های کاربردشناسی زبان[۲] است (توماس، ۱۹۹۵: ۱). کاربردشناسی زبان چگونگی کاربرد زبان را در فرآیند ارتباط میان انسان‌ها بررسی می‌کند. در هر ارتباط کلامی، موقعیت اجتماعی گوینده و شنونده، احساسات و عواطف متقابل آنها نسبت به هم و نوع ارتباط اجتماعی‌شان در زبان تجلی می‌یابد. رعایت ادب از خصوصیات اساسی ارتباطات انسانی به‌شمار می‌رود. زمانی که پایه‌های تعامل در زندگی اجتماعی انسان بررسی شود، پدیدهٔ ادب اهمیتی دوچندان می‌یابد (براون و لوینسون، ۱۹۸۷: ۱).

تعلیم و تعلم بخشی جدایی‌ناپذیر از زندگی و لازمهٔ رشد همه‌جانبهٔ انسان و ترقی و تعالی اجتماعات است. جوامع در طول تاریخ از امکانات متعددی برای تربیت انسان استفاده کرده‌اند که زبان و تعلیمات زبانی به‌ویژه متون ادبی تعلیمی از مهم‌ترین آنها به‌شمار می‌رود. «اثر تعلیمی اثری است که دانشی (چه نظری و چه عملی) را برای خواننده تشریح کند یا مسائل اخلاقی، مذهبی و فلسفی را به‌شکل ادبی عرضه دارد» (شمیسا، ۱۳۸۷: ۲۵۵). آثار ادبی همواره تحت تأثیر مسائل فکری، فرهنگی و ارزش‌های حاکم بر جامعه و زمانه و ادبیات تعلیمی، آینهٔ تمام‌نمای این مسائل است.

پندنامه‌ها نیز، به‌دلیل اینکه مجموعه‌ای از مواعظ و حکم و دستورهای تربیتی، اخلاقی، دینی و حکومتی هستند، در زمرهٔ ادبیات تعلیمی قرار دارند. ازجمله موضوعاتی که در آثار ادب تعلیمی به‌ویژه پندنامه‌ها مطرح بوده، پدیدهٔ ادب به‌طورکلی و ادب زبانی به‌طور خاص است.

درباب ادب به‌ویژه ادب زبانی در متون برجستهٔ ادبی فارسی چه به‌صورت مقطعی (هم‌زمانی) و چه در گسترهٔ فرهنگ و ادبیات فارسی به‌صورت تاریخی (درزمانی) پژوهش درخوری انجام نشده است تا دستاوردهای آن دلایل رعایت و درک ادب را در جوامع فارسی‌زبان نشان دهد. در پژوهش حاضر به روش توصیفی‌ـتحلیلی به *قابوسنامه* به‌منزلهٔ یکی از نمونه‌های برجستهٔ ادب تعلیمی فارسی پرداخته شده است تا بازنمود ادب، مخصوصاً ادب

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1400.29.91.3.0]
[DOI: 10.61186/jpll.29.91.129]

زبانی و مؤلفه‌های آن را در اثر مذکور بررسی و میزان انطباق یا عدم انطباق آن را با آراء صاحب‌نظران بزرگ نظریهٔ ادب زبانی از قبیل براون و لوینسون تبیین کند.

۱.۱. پیشینهٔ پژوهش

در بحث از ادب زبانی در متون ادب فارسی، پژوهش‌های جزئی و موردی در بخش‌هایی از یک یا چند اثر یا شواهدی پراکنده از متون مختلف انجام شده است که اهم آنها از این قرار است: غضنفری (۱۳۸۷) در مقاله‌ای با عنوان «جلوه‌هایی از بازتاب ادب در *تاریخ بیهقی*» بخش‌هایی از *تاریخ بیهقی* و *اسرارالتوحید* را تحلیل کرده و نتیجه گرفته است که «وجه مشترک گفتمان مؤدبانهٔ امروز ما با *تاریخ بیهقی*، کاربرد بسیاری از فعل‌ها و عبارت‌های اسمی حاکی از فروتنی یا به‌تعبیر بیمن (۱۹۸۶) «خوار-خویشتنی»[۳] است» (ر.ک: غضنفری، ۱۳۸۷: ۴۴). طیب (۱۳۸۱) در مقاله‌ای با عنوان «ریشه‌های گفتمان‌شناسی در ادب پارسی» بحث خود را با اصول همکاری گرایس[۴] به‌همراه شواهدی از نظم و نثر فارسی شروع کرده و پس از برشمردن اصول ادب لیچ[۵] (۱۹۸۳: ۱۳۳)، براون و لوینسون[۶] (۱۹۸۷: ۱۱۰) و ارائهٔ شواهدی از نظم و نثر فارسی، انطباق اصول مذکور را بر آراء مطرح‌شده در این متون نشان داده است (ر.ک: طیب، ۱۳۸۱: ۶۶). محمودی بختیاری و شاه‌حسینی (۱۳۹۶) در مقالهٔ «ادب کلامی سعدی، مطالعه‌ای گفتمانی برمبنای آرای سعدی در *بوستان* و *گلستان*» به این نتیجه رسیده‌اند که اصول همکاری[۷] گرایس و راهکارهای ادب براون و لوینسون از قدیم در ادب تعلیمی ما وجود داشته است و امروزه در پرتو رویکردهای زبان‌شناسی جدید می‌توان آنها را مطالعه کرد و برداشت جدیدی از آنها داشت (محمودی بختیاری و شاه‌حسینی، ۱۳۹۶: ۱۵). اسماعیلی (۱۳۹۵) در مقاله‌ای با عنوان «وجوه تشابه برخی مؤلفه‌های فرهنگی *قابوسنامه* با متون اوستایی و پهلوی»، با بهره‌گیری از روش تحلیل محتوا، هفت مؤلفهٔ پربسامد هویت فرهنگی مطرح در این کتاب را استخراج کرده و نتیجه گرفته است که *قابوسنامه*، علاوه‌بر مؤلفه‌های فرهنگی اسلام، از فرهنگ ایران پیش از اسلام نیز تأثیر فراوانی گرفته است (ر.ک: اسماعیلی، ۱۳۹۵: ۳۹). رحمانی (۱۳۹۳) در مقاله‌ای از دیدگاه نظریهٔ ادب براون و لوینسون و نظریهٔ بی‌ادبی کالپپر به بررسی راهبردهای ادب و بی‌ادبی در ده رمان برگزیدهٔ فارسی‌زبان نوجوان پرداخته است. شاکری (۱۳۹۲) هم در پژوهشی به بازنمایی و توصیف مبانی و راهبردهای رعایت ادب براساس متغیر جنسیت در داستان‌های کوتاه فارسی معاصر پرداخته

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1400.29.91.3.0]
[DOI: 10.61186/jpll.29.91.129]

است. انصاری‌نژاد (۱۳۹۸) در کتابی با عنوان *مقایسهٔ شاهنامهٔ فردوسی و ایلیاد هومر* به بررسی و مقایسهٔ دو اثر حماسی فردوسی و ایلیاد هومر براساس نظریهٔ نیاز به حفظ وجهه پرداخته است. طوسی نصرآبادی و همکاران (۱۳۹۸) در مقاله‌ای ادب زبانی در متون تعلیمی امام محمد غزالی را برمبنای نظریهٔ ادب براون و لوینسون بررسی کرده و با ارائهٔ شواهدی از تناقض الگوی ادب زبانی تعلیمی فارسی در آثار غزالی و الگوی ادب براون و لوینسون گفته‌اند که الگوی براون و لوینسون صرفاً مبتنی بر فردمحوری غربی است و با فرهنگ جمع‌گرای ایرانی، که بر ارزش‌های جمع و اجتماع تأکید می‌ورزد، در برخی موارد ناسازگار است. عرب یوسف‌آبادی و ساری (۱۳۹۸) هم در پژوهشی با عنوان «ادب‌مندی در *مقالات شمس* و *فیه‌مافیه*»، با تمرکز بر نظریهٔ ادب براون و لوینسون، شیوه‌های ادب‌مندی کلام در آثار پیش‌گفته را بررسی و مقایسه کرده و نتیجه گرفته‌اند که با توجه به اینکه میزان استفاده از دشواژه‌ها در *مقالات شمس* بیشتر از *فیه‌مافیه* است، به‌علت ارتباط این دو کتاب با گونهٔ تعلیمی و جایگاه اجتماعی بالای نویسنده، هردو اثر در گفتمان تعلیمی، ادب‌محور محسوب می‌شوند.

۱. ۲. مبانی نظری

با وجود اینکه نخست لیکاف (۱۹۷۳) ادب را به‌منزلهٔ حوزه‌ای در مطالعات زبان‌شناختی برجسته کرد، وقتی نظریهٔ براون و لوینسون در سال ۱۹۷۸ منتشر شد، به مهم‌ترین و اساسی‌ترین رویکرد در ادب زبانی تبدیل شد.

پژوهشگران حوزهٔ کاربردشناسی برآن‌اند که ادب، به‌مثابهٔ نظریهٔ زبان‌شناختی اجتماعی و شناختی، ابتدا با رویکرد حفظ وجهه[۸] در کتاب *ادب: برخی جهانی‌ها در کاربرد زبان* به‌قلم براون و لوینسون مطرح شده است. براون و لوینسون با وجود انتقاداتی که بر آراء گافمن وارد کردند، اذعان دارند که نظریهٔ آنها براساس مفهوم‌سازی از نظریهٔ گافمن دربارهٔ وجهه استوار است. آنها با تکیه بر توصیف گافمن از وجهه، آن را خودانگارهٔ[۹] عام یک شخص دانسته‌اند؛ یعنی جنبهٔ عاطفی و اجتماعی فرد که انتظار دارد افراد جامعه آن را به رسمیت بشناسند و حفظ کنند. وجهه درحقیقت ارزش و منزلت اجتماعی فرد در ارتباط با دیگران در بافتی معین است؛ تصویری از شخص مبتنی بر خصلت‌های مورد قبول و تأیید اجتماع که ممکن است دیگران هم در آن نقش و سهم داشته باشند (ر.ک: گافمن، ۱۹۶۷: ۵). آنها دو نوع وجهه را از هم متمایز کردند: وجههٔ مثبت[۱۰] و وجههٔ منفی.[۱۱] وجههٔ منفی خواست (انتظار) اساسی

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1400.29.91.3.0]
[DOI: 10.61186/jpll.29.91.129]

فرد برای حفظ حریم‌ها و حدودهای شخصی و حقوقی او، از قبیل آزادی عمل و آزادی از تحمیل و... و عدم تهدید آنهاست. وجههٔ مثبت تصویر یا شخصیت یکپارچهٔ مثبت فرد است که طرفین گفت‌وگو باید آن را حفظ کنند. آنان این‌دو نوع وجهه را خواستهٔ تمام افراد بالغ جامعه دانسته‌اند و معتقدند هر فرد سخنگو خواهان آن است که کنش او برای دیگران مطلوب باشد (خواستهٔ وجههٔ مثبت) و دیگران از کنش زبانی او ممانعت نکنند (خواستهٔ وجههٔ منفی) (ر.ک. براون و لوینسون، ۱۹۸۷: ۶۰ـ۶۲). همچنین، براون و لوینسون ادبِ کنایه‌دار[۱۲] را نوعی راهکار ادب ناشی از گفتار تلویحی دانسته‌اند. این راهکار از طریق گریز از هنجارهای عادی گفت‌وگو برای بیان تلویحی منظوری خاص پدید می‌آید. در این فرآیند، گوینده بر توانایی مخاطب در رمزگشایی سخن کنایه‌دار و درک معنای تلویحی آن تکیه می‌کند. راهکارهای ایجاد ادب کنایه‌دار متنوع‌اند و برخی از آنها از این قرارند: ارائهٔ اشارات و قرائنی در سخن، ارائهٔ پیش‌فرض یا پیش‌آگاهی در سخن، کوچک‌نمایی، بزرگ‌نمایی، ترادف و تکرار، استعاره و انواع آن به‌ویژه استعارهٔ تهکمیه، سؤال بلاغی و... (ر.ک: همان، ۶۲). ادب کنایه‌دار شامل دو مرحله است: الف) گوینده به مخاطب توجه می‌کند و انتظار دارد در او استنباطی ایجاد شده باشد. ب) مخاطب با استعانت از برخی شیوه‌های استنباط، منظور غیرصریح گوینده یا غرض ثانوی او را از سخن استخراج و درک می‌کند.

ادب کنایه‌دار در این مقاله هرگونه گفتار غیرمستقیم را دربرمی‌گیرد و نباید آن را با بحثِ کنایه و انواع آن در علم بیان یکی دانست. رابطهٔ ادب کنایه‌دار با اصطلاح کنایه در علم بیان، عموم و خصوص مطلق است و کنایه یکی از راه‌های تحقق ادب کنایه‌دار است.

ادب از نظر براون و لوینسون اهمیت‌دادن به وجههٔ طرف مقابل است؛ بنابراین، در نظریهٔ براون و لوینسون پرهیز از کنش‌های تهدیدکنندهٔ وجهه که خواستهٔ وجههٔ منفی است، **ادب منفی**، انجام امور مطلوب و تقویت‌کنندهٔ وجهه که خواستهٔ وجههٔ مثبت است، **ادب مثبت** و استفاده از بیان تلویحی و غیرصریح با معنا یا منظوری کلی‌تر یا متفاوت با ظاهر سخن، **ادب کنایه‌دار** نامیده می‌شود. تصور بنیادین در این موضوع آن است که وجههٔ طرفین ارتباط زبانی آسیب‌پذیر است و بیشتر کنش‌های گفتاری می‌توانند ذاتاً تهدیدی برای وجههٔ گوینده یا شنونده تلقی شوند و طرفین ارتباط زبانی معمولاً مایل‌اند وجههٔ یکدیگر را حفظ و در صورت تهدید وجهه از آن دفاع کنند.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1400.29.91.3.0]
[DOI: 10.61186/jpll.29.91.129]

براون و لوینسون معتقدند که رعایت ادب در تمام فرهنگ‌ها ضروری است (ر.ک: براون و لوینسون، ۱۹۷۸: ۶۱ و۶۲). آنها ثابت کرده‌اند که ارتباط بشری تنها برای انتقال پیام نیست، بلکه بیشتر به ایجاد و حفظ روابط در بافت اجتماعی- فرهنگی خاص مربوط است (ر.ک: هیکی و استیوارت، ۲۰۰۵: ۱۱۱). نظریهٔ ادب ابداعی آنان سه مؤلفهٔ عمده دارد: وجهه، کنش‌های تهدید وجهه، و راهبردهای ادب.

طرفین ارتباط زبانی انتظار دارند که وجههٔ آنها در روابط بینافردی حفظ شود. آنها دربرابر کنش‌های تهدید وجهه به ابزارهای ملایم‌کننده‌ای نیاز دارند که تهدید را به‌کمک میزان مناسبی از ادب زبانی کاهش دهد (ر.ک: کاسپر و رز، ۲۰۰۳: ۱۲). بدین‌منظور، از راهبردهای ادب، که راهکارهایی تلطیفی[۱۳] است، استفاده می‌کنند.

نظریهٔ ادب در پی تبیین چرایی انتخاب راهبردهای خاص در ارتباطات زبانی است (ر.ک: تریسی و باراتز، ۱۹۹۴: ۲۸۸). به بیان دیگر، این نظریه دلایل انتخاب راهبرد ادب مثبت یا منفی، بیان مستقیم یا غیرمستقیم و... را نشان می‌دهد. اساساً، هرقدر فاصلهٔ اجتماعی طرفین گفت‌وگو و قدرت تحمیل یک کنش کلامی بیشتر باشد، به همان میزان، احتمال تهدید وجهه نیز بیشتر می‌شود (همان، ۲۸۹).

۲. بحث و بررسی نمونه‌ها

۱. با همه هنر، جهد کن تا سخن برجای گویی که سخنِ نه‌برجای، اگرچه خوب گویی، زشت نماید (کیکاووس‌بن‌اسکندر، ۱۳۷۱: ۲۸).

سخن مرتبط با موضوع و منطبق با بافتِ موقعیتی[۱۴] معمولاً خوش‌آیند و در راستای حفظ وجههٔ گوینده و مخاطب است. توصیه به سخن برجای گفتن مطابق ادب مثبت است. برعکس، سخن نامربوط و نامتناسب با بافت موقعیتی، حتی اگر خوب (زیبا) هم باشد، ناخوشایند و تهدیدکنندهٔ وجههٔ طرفین تلقی می‌شود. توصیه به پرهیز از سخن نه‌برجای در راستای ادب منفی است. عبارت خبری «سخن نه‌برجای... زشت نماید» حاوی معنای تلویحی نهی «از سخن نه‌برجای بپرهیز» و در راستای ادب کنایه‌دار است.

۲. زبان را به خوبی و هنر آموخته کن و جز چرب‌زبانی عادت مکن که زبان تو دائم همه آن گوید که تو او را بر آن رانی و عادت کنی؛ چه، گفته‌اند هرکه را زبان خوش‌تر هواخواهش بیشتر (همان).

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1400.29.91.3.0]
[DOI: 10.61186/jpll.29.91.129]

لازمهٔ سخنوری و بلاغت، نیکی سیرت و زیبایی صورت (ظاهر و بیان) است؛ زیرا تا نیکی و زیبایی در سرشت انسان متمکن نشود، بر زبانش سخنان زیبا جاری نخواهد شد. علاوه‌براین، آموختن انواع هنرها و علوم باعث گسترش قلمرو زبان، اندیشه و مهارت فرد در سخنوری می‌شود؛ چنان‌که سوفیست‌ها در یونان از انواع علوم و فنون اطلاع حاصل می‌کردند تا در اثبات دعاوی خود و به‌اقتضای حال و مقام از آنها استفاده کنند و مخاطبان را تحت تأثیر قرار دهند (ر.ک: فروغی، ۱۳۶۸: ۳). منظور از چرب‌زبانی در این پند تملق و چاپلوسی نیست، بلکه بیان سخنان زیبا و تأثیرگذار است؛ چنان‌که نظامی گوید:

سوی مخزن آوردم اول بسیچ — که سستی نکردم در آن‌کار هیچ
وزو چرب و شیرینی انگیختم — به شیرین و خسرو درآویختم
(نظامی، ۱۳۱۶: ۷۸)

توصیه به درآمیختن زبان به خوبی و هنر در جهت حفظ وجههٔ گوینده و مطابق با ادب مثبت است. از نظر مؤلف، داشتن زبان خوش و تأثیرگذار باعث محبوبیت گوینده، جذب مخاطب و حفظ وجههٔ طرفین می‌شود. این توصیه مطابق ادب مثبت است. گزارهٔ خبری «هرکه را زبان خوش‌تر هواخواهش بیشتر» حاوی معنای ضمنی امری «خوش‌زبان باش تا هواخواهت بیشتر باشد» و در راستای ادب کنایه‌دار است.

۳. خوب گوی تا خوب شنوی (کیکاووس‌بن‌اسکندر، ۱۳۷۱: ۲۹).

کنشِ کلامی هریک از طرفین، عکس‌العملی متناسب از طرف مقابل در پی خواهد داشت؛ بنابراین، کسی که می‌خواهد وجههٔ او حفظ شود، باید به وجههٔ طرف مقابل احترام بگذارد. این پند در راستای ادب مثبت است. این جملهٔ امری حاوی معنای ضمنی خبری «هر سخنی پاسخی دارد» و در راستای ادب کنایه‌دار است. نظامی گوید:

چو خسرو نامهٔ شیرین فروخواند — از آن شیرین سخن عاجز فروماند
به خود گفتا جواب است این نه جنگ است — کلوخ‌انداز را پاداش سنگ است
(نظامی، ۱۳۳۱: ۲۷۱)

۴. از سخن کارفزای خاموشی گزین که سخن بی‌سود همه زیان بوَد (کیکاووس‌بن‌اسکندر، ۱۳۷۱: ۲۸).

غلامحسین یوسفی واژهٔ کارفزای را به‌معنی آنچه که موجب کار و زحمت شود دانسته است (همان، ۲۸۱). اما، با توجه به متون همعصر *قابوسنامه* یا نزدیک به آن، می‌توان دریافت که این واژه علاوه‌بر معنی مذکور، به‌معنی آزار و اذیت‌کننده نیز به‌کار رفته است:

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1400.29.91.3.0]
[DOI: 10.61186/jpll.29.91.129]

پیر یکی روز در این کار و بار کارفزایی‌ش درافزود کار...
کاین چه زبونی و چه افکندگی است کاه و گل! این پیشهٔ خربندگی است
خیز و مزن بر سپرِ خاک تیغ کز تو ندارند یکی نان دریغ...
پیر بدو گفت جوانی مکن درگذر از کار و گرانی مکن...
(نظامی، ۱۳۸۹: ۱۱۹ و ۱۲۰)

نظامی از زبان پیر خشت‌زن خطاب به جوان مزاحم و آزارگر با عبارت «گرانی مکن» معنی کارفزا را روشن کرده است؛ بنابراین، سخن کارفزای سخن بی‌سود و دردسرساز را گویند که باعث اذیت و رنجش دیگران و تهدید وجههٔ آنان شود. توصیه به دوری از سخن کارفزای در راستای ادب منفی است. دعوت به ترک سخنان بی‌فایده که وجههٔ طرفین را تهدید می‌کند نیز مطابق ادب منفی است. بخش دوم، جمله‌ای خبری، در معنای ثانویهٔ نهی «از سخن بی‌سود بپرهیز» یا امری «سخنان سودمند بگو» و در راستای ادب کنایه‌دار است.

۵. سخن که از وی بوی هنر نیاید ناگفته بهتر که حکیمان سخن را مانند به نبید کردند که هم از او خمار خیزد و هم بدو درمان خمار بُوَد (کیکاووس‌بن‌اسکندر، ۱۳۷۱: ۲۸).

سخنی که علاوه‌بر ظاهر (فرم) زیبا، محتوای ارزشمندی نداشته باشد، باعث تنزل موقعیت گوینده، ملال مخاطب و تهدید وجههٔ هردو خواهد شد. بخش اول پند در راستای ادب منفی است. در بخش دوم، سخن به نبید مانند شده است که هم می‌تواند باعث خمار و سردرد شود (اگر دور از فصاحت و بلاغت و فاقد محتوای ارزشمند باشد، باعث ملال و رنجش مخاطب و تهدید وجههٔ طرفین می‌شود) و هم می‌تواند باعث رفع خمار شود (اگر فصیح و بلیغ و دارای محتوای ارزشمندی باشد، باعث حفظ وجههٔ طرفین می‌شود). بخش نخست این عبارت در راستای ادب منفی و بخش دوم آن در راستای ادب مثبت است. تشبیه سخن به نبید، جمله‌ای خبری با معنای ضمنی خبری «سخن دو خاصیت متضاد دارد» و وجه‌شبه متعدد آن (۱. از او خمار خیزد؛ ۲. بدو درمان خمار بود) حاوی معنای ضمنی خبری: ۱. باعث رنج و دردسر می‌شود؛ ۲. باعث آسایش و خوشی می‌شود؛ و در راستای ادب کنایه‌دار است.

۶. مردمانِ سخن‌گوی و سخن‌دان که به سلام تو آیند ایشان را حرمت دار و با ایشان احسان کن تا بر سلام تو حریص‌تر باشند (همان، ۴۰).

سلام‌کردن و احوال‌پرسی[۱۵] از کنش‌های زبانی شروع گفت‌وگو و ارتباط زبانی و ایفاکنندهٔ نقش همدلی یا گشودن باب صحبت[۱۶] از نقش‌های شش‌گانهٔ مطرح در نظریهٔ ارتباطی رومن

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1400.29.91.3.0]
[DOI: 10.61186/jpll.29.91.129]

یاکوبسن[۱۷] است (ر.ک: صفوی، ۱۳۷۳: ۳۱-۳۵). این کنش‌ها در راستای حفظ وجههٔ گوینده و مخاطب، جلب موافقت برای شروع و ادامهٔ گفت‌وگو و توصیه به آنها در راستای ادب مثبت است. عبارت «بر سلام تو حریص باشند» مجاز به علاقهٔ ذکر سبب و ارادهٔ مسبب و به‌معنای «علاقه‌مند به گفت‌وگو و ارتباط با تو باشند» و در راستای ادب کنایه‌دار است. همچنین، کل این گزارهٔ امری، حاوی معنای ضمنی خبری «حرمت به سخنوران و سخن‌دانان موجب افزایش حرمت فرد و استمرار ارتباط با آنها می‌شود» و در راستای ادب کنایه‌دار است.

۷. اگرچه بادانشی تمام باشی با مردمان سخن‌گوی فَدْم مباش که مردمِ دانا، فَدْم نه نیکو باشد که مردم اگرچه حکیم بُوَد چون فَدْم بُوَد حکمتِ وی به حکمت نمانَد و سخنِ وی رونقی ندارد. پس شرطِ سخن‌گفتن بدان که چون است و چیست (کیکاووس‌بن‌اسکندر، ۱۳۷۱: ۴۰).

فَدْم در لغت به‌معنی گران‌زبان، درمانده از سخن (ر.ک: انوری، ۶/۱۳۸۲: ۵۲۷۵)، درشت‌خوی، درشت‌گوی و... آمده است. غلامحسین یوسفی این واژه را به‌معنی دژم دانسته است (ر.ک: کیکاووس‌بن‌اسکندر، ۱۳۷۱: ۴۰ پاورقی شمارهٔ ۱۹). اما، با توجه به بافتِ سخن، به‌نظر می‌آید گنگ یا گران‌زبان درست‌تر باشد. برخی از شاعران به این موضوع با عنوان بسته‌شدن سخن بر گوینده و عاجزماندنِ او از سرودنِ شعر اشاره کرده‌اند:

بر من سخن بِبَست، نبندد بلی سخن تا یک سخن‌نیوش نباشد سخن‌سرای

(سعد سلمان، ۱۳۳۹: ۵۰۳)

بنابراین، اگر گوینده بیانِ شیوا و مناسبی نداشته باشد و نتواند منظور خود را به‌روشنی به مخاطب انتقال دهد، علم و دانش او در نظر مخاطب وزنی نخواهد داشت. ابویعقوب سجستانی، دانشمند و متکلم ایرانی قرن چهارم، نیز یکی از دلایل عدم برقراری ارتباط زبانی را مغایرت سخن گوینده با قصد و اندیشهٔ مورد نظر او دانسته است (ر.ک: فرهمند و همکاران، ۱۳۹۶: ۳۰-۲۸) که از نمودهای فدْم‌بودن است. پس، فَدْم‌بودن باعث پنهان‌ماندن ارزش‌های علمی و فرهنگی گوینده، بی‌اعتباری سخنِ او و تهدید وجهه‌اش می‌شود. این توصیه مطابق ادب منفی است. توصیه به دانستن شرایط سخن، که باعث حفظ وجههٔ گوینده و ارتباط زبانی مؤثر می‌شود، مطابق ادب مثبت است.

۸. باید که مردمْ سخن‌گوی و سخن‌دان باشد (کیکاووس‌بن‌اسکندر، ۱۳۷۱: ۴۱).

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1400.29.91.3.0]
[DOI: 10.61186/jpll.29.91.129]

برقراری ارتباطِ مؤثر و رعایت اقتضای حال و مقام (شرایط حاکم بر بافت موقعیتی) در گرو آشنایی با اصول و مبانی سخنوری، داشتن مهارت و تجربهٔ لازم و معرفت به انواع و احوال کلام است؛ به‌نحوی‌که شخص بتواند معانی و اغراض ثانوی سخن و منظور گوینده را درک کند؛ ازاین‌رو، در کتاب‌های آیین دبیری و شاعری، مطالعه و تأمل در آثار نویسندگان و شعرای متقدم را برای افرادی که قصد شاعری و دبیری داشتند، ضروری دانسته‌اند:

> شاعر بدین درجه نرسد الا که در عنفوان شباب و در روزگار جوانی، بیست‌هزار بیت از اشعار متقدمان یاد گیرد و ده‌هزار کلمه از آثار متأخران پیش چشم کند و پیوسته دواوین استادان همی‌خوانَد و یاد همی‌گیرد که درآمد و بیرون‌شد ایشان از مضایق و دقایق سخن بر چه وجه بوده است تا طرق و انواع شعر در طبع او مرتسم شود و عیب و هنر شعر بر صحیفهٔ خِرَد او منقش گردد؛ تا سخنش روی در ترقی دارد و طبعش به جانب علو میل کند (نظامی عروضی، ۱۳۳۱: ۴۷).

این پند در جهت ارتقاء وجههٔ گوینده و مطابق ادب مثبت است. این جمله حاوی معنای ضمنی امری «آداب سخنوری و انواع و احوال سخن را بیاموز» و در راستای ادب کنایه‌دار است.

۹. سخن که به مردم نمایی بر روی نیکوترین نمای تا مقبول بُوَد و مردمان درجهٔ تو بشناسند که بزرگان و خردمندان را به سخن دانند نه سخن را به مردم، که مردم نهان است زیر سخن خویش (کیکاووس‌بن‌اسکندر، ۱۳۷۱: ۴۴).

نیکوترین وجه یعنی بهترین انتخاب و ترکیب ممکن عناصر زبانی و مناسب‌ترین بیان. مؤلف سخن را تجلی‌گاهِ خرد و فرهنگ گوینده و مایهٔ ارزیابی اوی در نظر دیگران تلقی کرده که مطابق فرمایش امام علی(ع) «**تَکَلِّموا تُعرَفُوا فَإنَّ اَلمرءَ مَخبوءٌ تَحتَ لِسانِهِ**» (*نهج‌البلاغه*، ۱۳۹۰: ۴۳۲) است. توصیه به سخن‌گفتن به نیکوترین وجه در راستای حفظ وجههٔ گوینده و ترغیب مخاطب و مطابق ادب مثبت است. گزارهٔ خبری «بزرگان و خردمندان را به سخن دانند» حاوی معنای ضمنی خبری «سخن تجلی‌گاه پایهٔ خرد فرد است» و در راستای ادب کنایه‌دار است.

۱۰. پشت و روی سخن نگاه باید داشت و هرچه گویی بر روی نیکوتر باید گفتن تا هم سخن‌گوی باشی و هم سخن‌دان. اگر گویی و ندانی چه تو و چه آن مرغک که او را طوطک خوانند که وی نیز سخن‌گوی است، اما نه سخن‌دان. و سخن‌گوی و سخن‌دان آن بُوَد که هرچه گوید مردمان را معلوم شود تا از جملهٔ عاقلان بُوَد و اگر نه چنین باشد بهیمه‌ای باشد مردم‌پیکر (کیکاووس‌بن‌اسکندر، ۱۳۷۱: ۴۵).

نشانه‌های زبانی می‌توانند در بافت‌های متنی و موقعیتی مختلف، نقش‌های متنوعی ایفا و مفاهیم متفاوتی را منتقل کنند؛ به‌همین‌دلیل، فردینان دو سوسور زبان را نظامی متشکل از نشانه‌ها می‌داند که ارزش معنایی هرکدام از آنها بر زنجیرهٔ گفتار و در ارتباط با دیگر

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1400.29.91.3.0]
[DOI: 10.61186/jpll.29.91.129]

نشانه‌ها مشخص می‌شود (ر.ک: باقری، ۱۳۸۹: ۴۹). تأمل گوینده در ظاهر و باطن سخن مانع کژتابی سخن، درک نادرست مخاطب، و تهدید وجههٔ طرفین گفت‌وگو می‌شود. این توصیه در راستای ادب مثبت است. سخن‌گفتن بر نیکوترین وجه، نشان سخنوری و سخن‌دانی گوینده، حافظ وجههٔ طرفین، و در راستای ادب مثبت است. مؤلف گویندهٔ فاقد معرفت به معانی و احوال کلام را به یک طوطی تشبیه کرده که ظاهر سخن را آموخته اما از پشت سخن (معانی و مفاهیم آن) خبر ندارد. معنای ضمنی این تشبیه، گزارهٔ خبری «هرکه به معانی سخن خویش نیندیشد در زمرهٔ حیوانات است» و در راستای ادب کنایه‌دار است. سعدی گوید:

به نطق است و عقل آدمی‌زاده فاش چو طوطی سخن‌گوی نادان مباش

(سعدی، ۱۳۵۹: ۱۴۹)

این تشبیه و توصیه در راستای جلوگیری از تهدید وجههٔ گوینده و مطابق ادب منفی است. مؤلف علاوه‌بر توجه به معانی سخن، روشن و قابل‌فهم‌بودن آن برای مخاطب را شرط سخن‌گویی (زبان‌آوری) و سخن‌دانی و نشانهٔ خردمندی گوینده و بی‌توجهی به این امر را نشانهٔ نادانی و سقوط به مرتبهٔ بهیمی دانسته است. توصیه به بیان سخن قابل درک، در راستای حفظ و تقویت وجههٔ گوینده و مطابق ادب مثبت، و توصیه به پرهیز از دشواری و ابهام آن، که سبب تهدید وجههٔ طرفین و اختلال در ارتباط زبانی می‌شود، مطابق ادب منفی است. گزارهٔ خبری «سخن‌گوی و سخن‌دان آن بوَد... تا از جملهٔ عاقلان بوَد» حاوی معنای ضمنی امری «چنان سخن گوی که بر مردم معلوم شود تا در زمرهٔ عاقلان شمرده شوی» و در راستای ادب کنایه‌دار است.

۱۱. سخن را بزرگ دان که از آسمان سخن آمد و هر سخن که بدانی از جایگاه سخن دریغ مدار و به ناجایگاه ضایع مکن تا بر دانش ستم نکرده باشی (کیکاووس‌بن‌اسکندر، ۱۳۷۱: ۴۵ و ۴۶).

مؤلف با اعتقاد به آیاتی مانند «**خَلَقَ الإنسانَ**»، «**عَلَّمَهُ البیانَ**» (الرحمن/ ۳ و ۴) و «**وَ عَلَّمَ آدمَ الأسماءَ کُلّها ثُمَّ عَرَضَهُم عَلَی المَلائِکَه**» (بقره/ ۳۱)، سخن را هدیه‌ای آسمانی دانسته است که گوینده نباید با استفادهٔ نادرست و نابجا آن را ضایع و بدین‌ترتیب نادانی خود را اثبات کند. سعدی دراین‌باره می‌گوید:

کمال است در نفس انسان سَخُن تو خود را به گفتار ضایع مکن

(سعدی، ۱۳۵۹: ۱۴۷)

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1400.29.91.3.0]
[DOI: 10.61186/jpll.29.91.129]

منطقیان فصل ممیز انسان را از حیوان نطق دانسته‌اند (ر.ک: جاحظ، ۱۴۲۳: ۸۳/۱). نطق به‌معنی اندیشه و گفتار است و گفتار تجلی‌گاه اندیشه. شرف انسان به نطق است و شناخت ارزش سخن و دقت در کاربرد و جایگاه (بافت موقعیتی) مناسب آن سبب حفظ وجههٔ گوینده می‌شود. این توصیه در راستای ادب مثبت است. برعکس، استفادهٔ نادرست و نابجا از سخن می‌تواند استخفاف گوینده و تهدید وجههٔ او یا ناراحتی مخاطب را در پی داشته باشد. توصیه به دوری از این امر در راستای ادب منفی است. حافظ گوید:

با خرابات‌نشینان ز کرامات ملاف هر سخن وقتی و هر نکته مکانی دارد

(حافظ، ۱۳۲۰: ۸۵)

گزارهٔ نهی «هر سخن که بدانی از جایگاه سخن دریغ مدار و...» حاوی معنای ضمنی خبری «رعایت‌نکردن جایگاه سخن، موجب تضییع آن می‌شود و نشانهٔ بی‌دانشی گوینده است» و در راستای ادب کنایه‌دار است.

۱۲. هرچه گویی راست گوی و اگر کسی با تو بستیهد به خاموشی آن ستوه را بنشان و جواب احمقان خاموشی دان (کیکاووس‌بن‌اسکندر، ۱۳۷۱: ۴۶).

صداقت در سخن خشنودی مخاطب، و حفظ وجههٔ گوینده را در پی دارد. این توصیه در راستای ادب مثبت است. مؤلف ستیهیدن (لجبازی) را نشانهٔ حماقت فرد و عامل تهدید وجههٔ طرفین دانسته و معتقد است هرچه سریع‌تر این ارتباط کلامی پایان یابد، به همان میزان وجههٔ آنان در امان می‌ماند. این توصیه در راستای ادب مثبت است. از دو گزارهٔ امری «اگر کسی با تو بستیهد...» و «جواب احمقان...» به‌طور ضمنی گزارهٔ خبری «ستیهیدن نشانهٔ حماقت است» حاصل می‌شود که محصول دو سخن یا گزارهٔ قبلی (ر.ک: فرهمند و همکاران، ۱۳۹۶: ۳۶) و در راستای ادب کنایه‌دار است.

۱۳. در سخن‌گفتن و سخن‌گزاردن آهستگی عادت کن و اگر از گران‌سنگی و آهستگی نکوهیده گردی، دوست‌تر دار از آنکه به سبکساری و شتاب‌زدگی ستوده گردی (کیکاووس‌بن‌اسکندر، ۱۳۷۱: ۴۶).

منظور از آهستگی در این عبارت، داشتن ضریب سخنگویی[۱۸] پایین (ر.ک: زندی، ۱۳۹۰: ۲۶) نیست، بلکه سخن‌گفتن از روی تأمل و نقطهٔ مقابل سبکساری (بی‌خردی) و شتاب‌زدگی است. سعدی می‌گوید:

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1400.29.91.3.0]
[DOI: 10.61186/jpll.29.91.129]

وقتی جمعی حکمای هندوستان در فضیلت بزرجمهر سخن می‌گفتند و به آخِر جز این عیبش ندانستند که در سخن‌گفتن بطیء است یعنی درنگ بسیار می‌کند و مستمع را بسی منتظر می‌باید بودن تا وی تقریرِ سخنی کند. بزرجمهر بشنید و گفت: اندیشه‌کردن که چه گویم بِهْ از پشیمانی‌خوردن که چرا گفتم (سعدی، ۱۳۴۶: ۳۷).

توصیه به آهستگی در سخن، که سبب پرهیز از اشتباه و ادای سخنان وافی به مقصود و حفظ وجههٔ گوینده و مخاطب می‌شود، مطابق ادب مثبت و برعکس، توصیه به دوری از شتاب‌زدگی که سبب اشتباه در کلام، رنجش مخاطب و شرمساری گوینده و تهدید وجههٔ هردو می‌شود، مطابق ادب منفی است.

۱۴. به دانستن رازی که به تو تعلق ندارد رغبت مکن و جز با خود راز خویش مگوی. اگر بگویی آن سخن را زان‌پس راز مخوان و پیش مردمان با کس راز مگوی که اگرچه درونْ‌سو سخن نیکو بود از بیرون‌سو گمان به زشتی برند که آدمیان بیشتر به یکدیگر بدگمان باشند (کیکاووس‌بن‌اسکندر، ۱۳۷۱: ۴۶).

تجسس باعث تهدید وجههٔ شخص می‌شود؛ بنابراین، توصیه به دوری از آن مطابق آیهٔ «**وَ لاتَجَسَّسوا وَ لایغتَب بَعضُکُم بَعضاً**» (حجرات/ ۴۹) و در راستای ادب منفی است. توصیه به پرهیز از افشای اسرار، که سبب تهدید وجههٔ طرفین می‌شود، در راستای ادب منفی است. افشای راز در ملأ (جمع) ممکن است سوءتعبیر مخاطب را در پی داشته باشد و دیگران گوینده را به‌دلیل افشای راز غیرقابل‌اطمینان بدانند. سعدی می‌گوید:

هرکه عیب دگران پیش تو آورد و شمرد بی‌گمان عیب تو پیش دگران خواهد برد
(سعدی، ۱۳۴۶: ۱۴۷)

تأکید بر افشانکردن راز در جمع در راستای ادب منفی است. گزارهٔ امری «جز با خود راز خویش مگوی» حاوی معنی ضمنی خبری «هیچ‌کس رازدارتر از خود انسان نیست» و در راستای ادب کنایه‌دار است.

۱۵. هر سخنی که بگویند بشنو ولکن به کاربستن شتاب‌زده مباش و هرچه بگویی نااندیشیده مگوی و همیشه اندیشه را مقدمِ گفتار دار تا بر گفته پشیمان نشوی که پیش‌اندیشی دوم کفایت است (کیکاووس‌بن‌اسکندر، ۱۳۷۱: ۴۷).

توصیه به شنیدن سخن گوینده و تأمل در کاربست آن، برگرفته از آیهٔ «**الّذین یستَمعونَ القولَ فَیتَّبِعونَ اَحسَنَهُ اولَئکَ الّذینَ هَداهُم اللهُ**» (زمر/ ۱۸) و در راستای حفظ وجههٔ طرفین و مطابق ادب مثبت است. توصیه به پرهیز از شتاب‌زدگی در کاربست سخن، در راستای پیش‌گیری از

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1400.29.91.3.0]
[DOI: 10.61186/jpll.29.91.129]

تهدید وجههٔ گوینده و مخاطب و مطابق ادب منفی است. توصیه به پرهیز از گفتار نااندیشیده که سبب تهدید وجههٔ طرفین می‌شود نیز در راستای ادب منفی است و برعکس، مقدم‌داشتن اندیشه بر گفتار، که سبب حفظ وجههٔ گوینده و مخاطب می‌شود، در راستای ادب مثبت است. سعدی نیز با تشبیهی تمثیلی اندیشه را شالوده و بنیاد سخن می‌داند:

اول اندیشه وآنگهی گفتار پای‌بست آمده است و پس دیوار

(سعدی، ۱۳۴۶: ۴۰)

۱۶. سردسخن مباش که سخنِ سرد تخمی است که از او دشمنی زاید (کیکاووس‌بن‌اسکندر، ۱۳۷۱: ۴۷).

سخنِ سرد یا سخت در ادب فارسی به‌معنی سخن سرزنش‌آمیز یا موهِن است. فردوسی گوید:

کدامین پدر هرگز این کار کرد سزاوارم اکنون به گفتار سرد

(فردوسی، ۱۳۷۵: ۱۹۵)

حافظ نیز گوید:

صبحدم مرغ چمن با گل نوخاسته گفت ناز کم‌کن که در این باغ بسی چون تو شکفت
گل بخندید که از راست نرنجیم ولی هیچ عاشق سخن سخت به معشوق نگفت

(حافظ، ۱۳۲۰: ۵۶)

توصیه به دوری از سخنِ سرد که باعث تهدید وجههٔ مخاطب می‌شود در راستای ادب منفی است.

۱۷. سخن یک‌گونه گوی با خاصْ خاص و با عامْ عام، تا از حد حکمت بیرون نباشی و بر مستمع وبال نگردد مگر در جایی که از تو در سخن‌گفتن دلیل و حجت نشنوند، آنگه سخن بر مراد ایشان همی‌گوی تا به سلامت از میان قوم بیرون آیی (کیکاووس‌بن‌اسکندر، ۱۳۷۱: ۴۷).

سخن‌گفتن به‌اقتضای حال و مقام مطابق تعریف بلاغت در ادبیات فارسی و عربی است (ر.ک: رسولی، ۱۳۸۰: ۹۶). گوینده باید با توجه به موقعیت اجتماعی و وضعیت روحی و فکری مخاطب و میزان صمیمیت با او و با درنظرگرفتن بافت موقعیتی، سخن را طوری ادا کند که وافی به مقصود باشد و تأثیر مطلوب را بر مخاطب داشته باشد. مؤلف این امر را یکی از نشانه‌های خردمندی گوینده و دانایی او به‌شمار آورده است. البته، این امر در منابع دینی ما مسلمانان نیز ذکر شده است. چنان‌که پیامبر گرامی فرموده‌اند: «**اِنّا مَعاشِرَ الاَنبیاءِ اُمِرْنا اَنْ نُکَلِّمَ النّاسَ عَلي قَدْرِ عُقولِهِمْ**» (کلینی، ۱۴۰۷/۸: ۱۲۶) و مولانا با توجه به این نکته گفته است:

چون که با کودک سر و کارت فتاد پس زبان کودکی باید گشاد

(مولانا، ۱۳۹۳: ۸۵۴/۲)

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1400.29.91.3.0]
[DOI: 10.61186/jpll.29.91.129]

بخش نخست پند در راستای حفظ وجههٔ گوینده و مخاطب و مطابق ادب مثبت است. توصیه به سخن‌گفتن بر وفق مراد مخاطب، نه برای ترویج ریاکاری و دورویی، بلکه در راستای حفظ جان و وجههٔ گوینده است؛ زیرا صحبت با مخاطبی که دلیل و حجت نپذیرد و از در ستیزه‌جویی درآید، اگر جان گوینده را تهدید نکند، آبروی (وجهه) او را به خطر خواهد انداخت. پس، بهترین راه برای فیصله‌دادن به این ارتباط کلامی بی‌فایده و دردسرساز، سخن‌گفتن بر وفق مراد مخاطب و ختم کلام است. این عبارت نیز در راستای ادب مثبت است. عبارت امری «سخن یک‌گونه گوی با خاص خاص و...» حاوی معنای ضمنی خبری «شناخت حال و مقامِ مخاطب و رعایت آن نشانهٔ حکمت است» و عبارت امری «...آنگه سخن بر مراد ایشان همی‌گوی...» حاوی معنای ضمنی خبری «سخن‌گفتن بر وفق مخاطب ستیزه‌جوی نادان، راه سلامت است» و در راستای ادب کنایه‌دار است.

۱۸. گرچه سخن‌دان باشی از خویشتن کمتر آن نمای که دانی تا به وقت گفتار و کردار پیاده نمانی و بسیاردان و کم‌گوی باش نه کم‌دانِ بسیارگوی که گفته‌اند که: خاموشی دوم‌سلامت است و بسیارگفتن دوم‌بی‌خردی؛ از آنکه بسیارگوی اگرچه خردمند باشد مردمان عامه او را از جملهٔ بی‌خردان شناسند و اگرچه بی‌خرد کسی باشد، چون خاموش باشد مردمان خاموشی او از جملهٔ عقل دانند (کیکاووس‌بن‌اسکندر، ۱۳۷۱: ۴۷).

اظهارفضل مداوم دست‌کم دو زیان دارد: یکی اینکه اظهارفضل مداومِ گوینده خواه ناخواه وجههٔ مخاطب را تهدید و او را تحقیر خواهد کرد. دیگر اینکه اظهارفضل گوینده و بیان تمام دانسته‌هایش سبب پیاده‌ماندن او در ادامهٔ ارتباط کلامی می‌شود یا در ارتباط‌های آتی وجهه‌اش را تهدید خواهد کرد. توصیه به دوری از اظهارفضل مطابق ادب منفی است. مؤلف کم‌گویی و خاموشی را مایهٔ سلامت و پرگویی را مایهٔ بی‌خردی شمرده است؛ زیرا، اولاً، رعایت‌نکردن اندازهٔ سخن می‌تواند نشانهٔ اغراض ثانوی گوینده یا عدم صداقت او باشد. ثانیاً، پرگویی می‌تواند نشانهٔ سبک‌مغزی گوینده یا ناآشنایی او با آداب معاشرت و سخن‌گویی باشد. ثالثاً، بسیارگویی سبب افشای بیشتر اطلاعات، افزایش احتمال خطا و درنتیجه تهدید وجههٔ گوینده و مخاطب می‌شود. نظامی عروضی دراین‌باره می‌گوید: المِکثارُ مِهذارٌ: پُرگوی بیهوده‌گوی است (ر.ک: نظامی عروضی، ۱۳۳۱: ۲۱). بنابراین، توصیه به بسیاردانی و کم‌گویی در جهت حفظ وجههٔ گوینده و مطابق ادب مثبت است، کما اینکه توصیه به دوری از نادانی و بسیارگویی، که سبب تهدید وجههٔ گوینده و مخاطب می‌شود، در راستای ادب منفی است. از نظر مؤلف، خاموشی گوینده

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1400.29.91.3.0]
[DOI: 10.61186/jpll.29.91.129]

ممکن است دال بر اندیشیدنِ قبل از گفتار یا اندیشیدن به‌طور عام و نشانهٔ خردمندی اوی تلقی شود. پس، توصیه به خاموشی برای حفظ وجههٔ گوینده در راستای ادب مثبت است. گزارهٔ خبری «خاموشی دوم سلامت است» دارای معنای ضمنی امری «خاموش باش تا در سلامت باشی» و گزارهٔ خبری «بسیارگفتن دوم بی‌خردی است» دارای معنای ضمنی خبری «اگر بسیارگوی باشی بی‌خرد شمرده می‌شوی» و مطابق ادب کنایه‌دار است.

۱۹. با هرکه سخن‌گویی همی‌نگر تا سخنِ تو را خریدار هست یا نه؟ اگر مشتری چرب یابی، همی‌فروش و اگر نه آن سخن بگذار و آن گوی که او را خوش آید تا خریدارِ تو باشد (کیکاووس‌بن‌اسکندر، ۱۳۷۱: ۴۹).

توجه به احساسات و علاقهٔ مخاطب سبب حفظ وجههٔ طرفین و برقراری ارتباط زبانی مؤثر می‌شود. این توصیه در راستای ادب مثبت است. استقبال مخاطب از سخن وجههٔ طرفین را حفظ می‌کند؛ بنابراین، بخش دوم نیز در راستای ادب مثبت است. برعکس، عدم علاقهٔ مخاطب و بی‌توجهی او سبب دلسردی و رنجش گوینده و تهدید وجههٔ او خواهد شد. توصیه به دوری از چنین ارتباطی در راستای ادب منفی است. بخش آخر یعنی سخن‌گفتن بر وفق مراد مخاطب در راستای حفظ وجههٔ هردو طرف گفت‌وگو و مطابق ادب مثبت است. تشبیه ارتباط کلامی به خرید و فروش، به‌طور ضمنی، به‌معنای گزارهٔ خبری «هر سخنی سود و زیانی دارد» و در راستای ادب کنایه‌دار است.

۲۰. با دوست و دشمنْ گفتار آهسته دار و با آهستگی چرب‌گوی باش که چرب‌گویی دوم جادویی است (همان).

توصیه به آهستگی در سخن، که سبب حفظ وجههٔ طرفین و پرهیز از تنش در ارتباط کلامی می‌شود، در راستای ادب مثبت است. چرب‌گویی (بیان سخنان زیبا و تأثیرگذار) به‌همراه آهستگی، که سببِ جذب مخاطب و تأثیر کلام می‌شود، نیز در راستای حفظ وجههٔ طرفین و مطابق ادب مثبت است. تشبیه «چرب‌گویی دوم جادویی است» برای اغراق در تأثیرگذاری سخن و تلویحاً به‌معنی «سخن چرب بسیار تأثیرگذار است» و در راستای ادب کنایه‌دار است.

۲۱. از اژدرهای هفت‌سر مترس و از مردمِ نمّام بترس که هرچه او به ساعتی بشکافد به سالی نتوان دوخت (همان، ۱۴۹).

ارتباط با افراد سخن‌چین، علاوه‌بر تخریب وجههٔ افرادی که دربارهٔ آنها سخن گفته می‌شود، وجههٔ مخاطب را که با گوش‌دادن به سخنان چنین فردی شریک عمل زشت او است تهدید می‌کند. همچنین، احتمال سخن‌چینی از خود مخاطب در آینده و تهدید وجههٔ او نیز

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1400.29.91.3.0]
[DOI: 10.61186/jpll.29.91.129]

وجود دارد. این پند در راستای ادب منفی است. تشبیه مضمر و تفضیل فرد سخن‌چین به اژدهای هفت‌سر تلویحاً حاوی معنای خبری «فرد نمّام از اژدهای هفت‌سر هم خطرناک‌تر است» و تشبیه سخن‌چینی فرد نمّام به شکافتن جامه به‌نحوی‌که به سالی نتوان دوخت حاوی معنای ضمنی خبری «یک ساعت سخن‌چینی با یک سال تلاش قابل جبران نیست» و در راستای ادب کنایه‌دار است.

۲۲. با نادان مناظره مکن و با مردم مرائی دوستی مکن و با دروغ‌زن معامله نکن (همان، ۱۵۰).

مناظره در لغت به‌معنی باهم نظرکردن در حقیقت و ماهیت چیزی و با یکدیگر بحث‌کردن همراه با دلیل و برهان برای اثبات درستی نظر یا عقیدهٔ خود است (ر.ک: دهخدا، ۱۳۷۷: ۲۱۵۶۲/۱۴؛ انوری، ۱۳۸۲: ۷۳۶۹/۷). مناظره با شخص نادان باعث کاهش قدر و قیمت شخص و تهدید وجههٔ او می‌شود. این توصیه در راستای ادب منفی است. ارتباط با فرد ریاکار منافق که هر لحظه امکان خیانت او وجود دارد وجههٔ فرد را به مخاطره می‌اندازد و توصیه به دوری از او در راستای ادب منفی است. دروغ سرچشمهٔ تمام بدی‌هاست و فردی که دروغ می‌گوید می‌تواند جان، مال و وجههٔ افراد را به خطر اندازد. این توصیه نیز در راستای ادب منفی است.

۲۳. سخن با زینت گوی، دم‌بریده مگوی و نیز دم‌دراز و بی‌معنی نگوی (کیکاووس‌بن‌اسکندر، ۱۳۷۱: ۱۶۰-۱۵۹).

سخنِ زیبا و جذاب حفظ وجههٔ گوینده و رضایت و التذاذ هنری مخاطب را به‌دنبال دارد. توصیه به چنین سخنی در راستای ادب مثبت است. توصیه به رعایت اندازهٔ کلام، مطابق بحث ایجاز، اطناب و مساوات در علم معانی است. ایجاز یعنی با کمترین الفاظ بیشترین معانی را بیان‌کردن و شرط بلاغت ایجاز آن است که صرفه‌جویی در لفظ به انتقال پیام خللی وارد نکند (ر.ک: شمیسا، ۱۳۹۱: ۱۶۵). توصیه به پرهیز از ایجاز مخل که سبب تهدید وجههٔ گوینده و اخلال در فهم مخاطب می‌شود، مطابق ادب منفی است. اطناب (درازگویی) نیز حدی دارد که اگر از اندازهٔ معینی درگذرد و اقتضای حال رعایت نشود به آن اطناب مُمِلّ می‌گویند (همان، ۱۷۱). توصیه به پرهیز از اطناب مُمِلّ که وجههٔ گوینده را تهدید می‌کند و ملال مخاطب را در پی می‌آورد، مطابق ادب منفی است. گزاره‌های نهی در بخش دوم و سوم پند حاوی معنای ضمنی امری «در سخن‌گفتن اندازهٔ الفاظ نگاه دار» و در راستای ادب کنایه‌دار است.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1400.29.91.3.0]
[DOI: 10.61186/jpll.29.91.129]

۲۴. در سخن‌گفتن و موعظه‌دادن هرچه گویی با خوف و رجا گوی، یک‌باره خلق را از رحمت خدای‌تعالی نومید مکن و نیز یک‌باره بی‌طاعت هیچ‌کس را به بهشت مفرست (کیکاووس‌بن‌اسکندر، ۱۳۷۱: ۱۶۰).

توصیه به رعایت اعتدال و احتیاط در سخن‌گویی در راستای حفظ وجههٔ گوینده و مطابق ادب مثبت است. غرض از اطناب در بخش دوم تبیین عبارت (با خوف و رجا) و ایضاح بعد از ابهام (ر.ک: شمیسا، ۱۳۹۱: ۱۷۳) است. توصیه به دوری از تفریط، که وجههٔ گوینده را تهدید و مخاطب را نومید می‌کند، در راستای ادب منفی است. افراط نیز وجههٔ گوینده را تهدید می‌کند و توصیه به دوری از آن در راستای ادب منفی است. به‌لحاظ علمِ معانی، جمع بین اضداد می‌تواند افادهٔ معنای کلّ بکند؛ بنابراین، کلّ پند، به‌ویژه عبارت «هرچه گویی با خوف و رجا گوی»، حاوی معنای ضمنی امری «در سخن به‌ویژه موعظه تمام جوانب و اندازه را نگاه دار» و در راستای ادب کنایه‌دار است.

۲۵. بیشتر آنْ گوی که بر آن ماهر باشی و نیک معلومِ تو گشته باشد، تا در سخن دعوی بی‌حجّت نکرده باشی که عاقبتِ دعوی بی‌حجّت شرمساری بوَد (کیکاووس‌بن‌اسکندر، ۱۳۷۱: ۱۶۱).

توصیه به سخن‌گفتن دربارهٔ موضوعی که شخص به آن اشراف کامل دارد، در راستای آشکارشدن پایگاه علمی گوینده و حفظ وجههٔ او و مطابق ادب مثبت است. برعکس، توصیه به پرهیز از سخن‌گفتن دربارهٔ موضوعی که گوینده از آن اطلاع ندارد و باعث آشکارشدن نادانی او، شرمساری و تهدید وجهه‌اش خواهد شد، در راستای ادب منفی است. سعدی در مناظرهٔ رایت و پرده می‌گوید:

هرکه بیهوده گردن افرازد خویشتن را به گردن اندازد

(سعدی، ۱۳۴۶: ۲۲۴)

جملهٔ خبری «عاقبت دعوی بی‌حجّت شرمساری بوَد» حاوی معنای ضمنی نهی «دعوی بی‌حجت نکن تا شرمسار نگردی» و در راستای ادب کنایه‌دار است.

۲۶. در مجلسِ حُکم به‌هیبت نشینی و ترش‌روی و بی‌خنده و با جاه و حشمت باشی، گران‌سایه و اندک‌گوی و بسیارنیوش و از شنیدن سخن و حکم‌کردن البته ملول نشوی و از خویشتن ضجرت ننمایی و صابر باشی (کیکاووس‌بن‌اسکندر، ۱۳۷۱: ۱۶۴).

زبان بدن و دلالت معنادار کنش‌های بدنی در ارتباط زبانی بسیار مؤثر است. توصیه به انجام رفتارهای حافظِ وجههٔ گوینده از قبیل به‌هیبت‌نشستن (وقار)، ترش‌رویی، اندک‌گویی و... و رفتارهای حافظ وجههٔ هردو طرف از قبیل بسیارنیوشی و صبر در راستای ادب مثبت

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1400.29.91.3.0]
[DOI: 10.61186/jpll.29.91.129]

است. توصیه به پرهیز از رفتارهای تهدیدکنندهٔ وجههٔ طرفین از قبیل خنده، ملال، ضجرت و... مطابق ادب منفی است.

۲۷. اگر شاعر باشی جهد کن تا سخن تو سهل ممتنع باشد. بپرهیز از سخن غامض، و چیزی که تو دانی و دیگران را به شرح آن حاجت آید مگوی که شعر از بهر مردمان گویند نه از بهر خویش (همان، ۱۸۹).

توصیه به سهل ممتنع بودن شعر، که به فهم و التذاذ مخاطب، استیصال رقیب و حفظ وجههٔ طرفین منجر می‌شود، در راستای ادب مثبت است و توصیه به دوری از شعر غامض و محتاجِ شرح که سبب ملال و عدم فهم مخاطب و تهدید وجههٔ طرفین می‌شود در راستای ادب منفی است. گزارهٔ خبری «شعر از بهر مردمان گویند...» حاوی معنای ضمنی امری «در سرودن شعر سطح ادراک مخاطب را در نظر بگیر» و در راستای ادب کنایه‌دار است.

جدول ۱. بسامد مؤلفه‌های ادبِ زبانی در *قابوسنامه* بر اساس نظریهٔ براون و لوینسون

	ادب مثبت	ادب منفی	ادب کنایه‌دار	کنش‌های تهدید یا حفظ کنندهٔ وجهه								راهبردهای ادب	
				کنش حفظ	وجهه		کنش تهدید	وجهه				راهبرد دفاع از وجهه	راهبرد ارتقاء وجهه
					گوینده	مخاطب		گوینده	مخاطب				
جمع	۵۰	۵۶	۴۰	۷۶	۵۳	۲۴	۸۱	۴۹	۳۲			۵۴	۱۳
نسبت مؤلفه‌ها	٪۱۳/۵	٪۱۵	٪۱۱	۲۰٪/۵			٪۲۲					۱۴٪/۵	۳٪/۵

نمودار ۲. توزیع مؤلفه‌های ادب زبانی در *قابوسنامه*

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1400.29.91.3.0]
[DOI: 10.61186/jpll.29.91.129]

جدول ۲. بسامد انواع ادب کنایه‌دار

مجموع	شاخهٔ علمی	مبحث	نوع دستوری	نوع ضمنی	تعداد
۳۰	معانی	اغراض ثانوی جملات	امری	خبری	۸
			خبری	امری	۶
			نهی	امری	۴
			نهی	خبری	۳
			خبری	نهی	۳
			خبری	خبری	۳
			امری	امری	۲
			امری	نهی	۱
۱۰	بیان	تشبیه	خبری	خبری	۶
			امری	خبری	۱
			نهی	خبری	۱
		مجاز	خبری	خبری	۱
			امری	امری	۱

۳. نتیجه‌گیری

ادب در *قابوسنامه* به‌معانی گسترده‌ای به‌کار رفته است که شامل ابعاد فردی، اجتماعی و فرهنگی است و از رهگذر تعامل سازنده بین افراد شکل می‌گیرد. با بررسی متن *قابوسنامه* از دید نظریهٔ ادب براون و لوینسون، دریافتیم که در این اثر، علاوه‌بر مؤلفه‌های فردمحوری ازقبیل تأکید بر ادب منفی، سخنگومحوری، جلوگیری از رفتارهای زشت و ناشایست، مؤلفه‌های جمع‌محوری نیز ازقبیلِ تأکید بر ادب مثبت، مخاطب‌محوری، ترغیب به رفتارهای مثبت اجتماعی و... چشمگیر است که بیشتر تحت تأثیر آموزه‌های دین مبین اسلام و فرهنگ ایرانی است.

بیشترین موضوع مطرح در توصیه‌های *قابوسنامه* مربوط به آداب سخن (۵۱/۵ درصد) و نوع سخن (۳۴ درصد) و نشان‌دهندهٔ این است که نویسنده اهمیت زیادی برای آداب گفت‌وگو، انتخاب نوع و الفاظ سخن، و توجه به معانی و دلالت‌های مختلف آن قائل است. او نقش آداب معاشرت (۱۳ درصد) و رفتارهای طرفین ارتباط زبانی را نیز به‌خوبی تبیین و تحلیل کرده است. در *قابوسنامه*، ۵۳ درصد راهبردهای ادب مربوط به ادب منفی و ۴۷ درصد مربوط به ادب مثبت و نیز ۵۱ درصد کنش‌ها مربوط به تهدید وجهه و ۴۹ درصد مربوط به حفظ آن است. این امر نشان‌دهندهٔ آن است که مؤلف *قابوسنامه* به آسیب‌شناسی ارتباط زبانی بیشتر اهمیت و اولویت داده است، اما از توجه به عوامل حفظ وجههٔ طرفین و تداوم ارتباط زبانی نیز غافل نبوده است.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1400.29.91.3.0]
[DOI: 10.61186/jpll.29.91.129]

به‌لحاظ جهت‌گیری کنش‌های حفظ یا تهدیدکنندهٔ وجهه به‌سوی گوینده و مخاطب نیز باید گفت کنش‌های مربوط به گوینده (حفظ ۷۰ درصد و تهدید ۶۰ درصد) در مقایسه با کنش‌های مربوط به مخاطب (حفظ ۳۰ و تهدید ۴۰ درصد) چشمگیرتر و نشان‌دهندهٔ این است که او نقش گوینده را در آغاز و ادامهٔ ارتباط زبانی مهم‌تر و تعیین‌کننده‌تر می‌داند؛ زیرا هر کنش گوینده تعیین‌کنندهٔ واکنش مخاطب و روند ادامهٔ ارتباط زبانی است. اما، توصیه به حفظ وجههٔ مخاطب و پرهیز از تهدید آن و توجه به میزان درک و علاقهٔ او نیز نشان‌دهندهٔ توجه نویسنده به دوسویه‌بودن ارتباط و نقش و جایگاه مخاطب است. ۸۳ درصد پندهای *قابوسنامه* حاوی ادب کنایه‌دار است که سه‌چهارم از آنها مربوط به علم معانی و اغراض ثانویهٔ سخن است. این موضوع نشانگر آن است که نویسنده برای معانی ضمنی سخن و نقش آن در فرآیند ارتباط زبانی و مدیریت روابط بینافردی ارزش و اهمیت فراوانی قائل است. نویسندهٔ *قابوسنامه*، علاوه‌بر توجه به آداب معاشرت و تأثیر آن در ارتباط زبانی، از زبان بدن و دلالت‌های آن نیز غافل نبوده و توصیه‌هایی برای استفاده از زبان بدن و مدیریت آن ارائه کرده است که با توجه به قدمت *قابوسنامه* بسیار ارزشمند است. در *قابوسنامه* به شعر و شاعری هم اشاره شده است و این امر نشان‌دهندهٔ آن است که مؤلف به شعر به‌مثابهٔ رسانه‌ای ارتباطی نگریسته است که می‌تواند بین شاعر (در جایگاه گوینده) و خواننده (در جایگاه مخاطب)، فراتر از زمان و مکان واحد، ارتباط زبانی برقرار کند.

قدردانی

نگارندگان از معاونت پژوهشی دانشگاه محقق اردبیلی و نیز معاونت پژوهشی دانشکدهٔ ادبیات و علوم انسانی برای حمایت از طرح پژوهشی «**بررسی ادب زبانی در *قابوسنامه* براساس نظریهٔ براون و لوینسون**» که این مقاله مستخرج از آن است سپاسگزارند.

پی‌نوشت

1. Politeness
2. Pragmatics
3. Self-lowering
4. Grice
5. Leech
6. Brown & Levinson
7. Cooperative Principles
8. Face

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1400.29.91.3.0]
[DOI: 10.61186/jpll.29.91.129]

9. Self-Image
10. Positive Face
11. Negative Face
12. Off-Record
13. Mitigating Strategies
14. Situational context
15. Greeting (&) Small talk
16. Phatic
17. Roman Jakobson
18. Rate of Speech

منابع

قرآن کریم (۱۳۷۶) ترجمهٔ محی‌الدین الهی قمشه‌ای. تهران: فیض کاشانی.

نهج البلاغه (۱۳۹۰) ترجمهٔ سیدجعفر شهیدی. چاپ سی‌ویکم. تهران: علمی و فرهنگی.

اسماعیلی، مراد (۱۳۹۵) «وجوه تشابه برخی مؤلفه‌های فرهنگی *قابوسنامه* با متون اوستایی و پهلوی». *متن‌شناسی ادب فارسی*. شمارهٔ ۳: ۳۹-۵۲.

انصاری‌نژاد، مهران (۱۳۹۸) *مقایسهٔ شاهنامهٔ فردوسی و ایلیاد هومر* (براساس نظریهٔ ادب براون و لوینسون). تهران: راه دکتری.

انوری، حسن (۱۳۸۲) *فرهنگ بزرگ سخن*. جلد ۶و۷. چاپ دوم. تهران: سخن.

باقری، مهری (۱۳۸۹) *مقدمات زبان‌شناسی*. چاپ سیزدهم. تهران: قطره.

جاحظ، ابوعثمان عمرو (۱۴۲۳) *البیان و التّبیین*. تحقیق ابراهیم شمس‌الدین. بیروت: موسسه الأعلمی للمطبوعات.

حافظ، شمس‌الدین‌محمد (۱۳۲۰) *دیوان حافظ*. به‌اهتمام محمد قزوینی و قاسم غنی. تهران: زوار.

دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۷) *لغت‌نامه*. زیر نظر محمد معین و سیدجعفر شهیدی. تهران: دانشگاه تهران.

رحمانی، حسین (۱۳۹۳) «نگاهی به قدرت و جنسیت از منظر ادب و بی‌ادبی در رمان‌های نوجوانان فارسی‌زبان». *زبان و زبان‌شناسی*. شمارهٔ ۲۰: ۳۱-۵۶.

رسولی، حجت (۱۳۸۰) «*تأمّلی در تعریف بلاغت و مراحل تکامل آن*». *پژوهشنامهٔ علوم انسانی*. شمارهٔ ۳۱: ۸۹ـ ۹۸.

زندی، بهمن (۱۳۹۰) *زبان‌آموزی*. چاپ یازدهم. تهران: سمت.

سعدسلمان، مسعود (۱۳۳۹) *دیوان مسعودسعد سلمان*. به تصحیح رشید یاسمی. تهران: پیروز.

سعدی، مصلح‌الدین (۱۳۴۶) *گلستان*. به‌کوشش خلیل خطیب رهبر. تهران: صفی‌علیشاه.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1400.29.91.3.0]
[DOI: 10.61186/jpll.29.91.129]

سعدی، مصلح‌الدین (۱۳۵۹) *بوستان*. تصحیح و توضیح غلامحسین یوسفی. تهران: انجمن استادان زبان و ادبیات فارسی.

شاکری، سپیده (۱۳۹۲) بازنمایی و توصیف مبانی و راهبردهای رعایت ادب براساس متغیر جنسیت در داستان‌های کوتاه فارسی معاصر از دیدگاه کاربردشناسی زبان. پایان‌نامهٔ کارشناسی‌ارشد زبان‌شناسی همگانی. دانشگاه تربیت مدرس.

شمیسا، سیروس (۱۳۸۷) *انواع ادبی*. چاپ سوم. تهران: میترا.

شمیسا، سیروس (۱۳۹۱) *معانی*. چاپ نخست از ویرایش دوم. تهران: میترا.

صفوی، کوروش (۱۳۷۳) *از زبان‌شناسی به ادبیات*. جلد اول: نظم. تهران: چشمه.

طوسی نصرآبادی، محمدرضا و همکاران (۱۳۹۸) «ادب زبانی در متون تعلیمی امام محمد غزالی». *زبان‌شناسی تطبیقی*. شمارهٔ ۱۷: ۲۱۹-۲۳۷.

طیب، محمدتقی (۱۳۸۱) «ریشه‌های گفتمان‌شناسی در ادب پارسی». *مطالعات ملی*. شمارهٔ ۱۳: ۴۹-۶۸.

عرب یوسف‌آبادی، فایزه؛ نسیمه ساری (۱۳۹۸) «ادب‌مندی در مقالات شمس و فیه‌مافیه». *پژوهش‌های ادب عرفانی (گوهر گویا)*. شمارهٔ ۴: ۴۷-۵۸.

غضنفری، محمد (۱۳۸۷) «جلوه‌هایی از بازتاب ادب در تاریخ بیهقی». *مجلهٔ دانشکدهٔ ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد*. شمارهٔ ۱۶۲: ۲۹-۴۷.

فردوسی، ابوالقاسم (۱۳۷۵) *غمنامهٔ رستم و سهراب: گزیدهٔ شاهنامهٔ فردوسی*. انتخاب و شرح جعفر شعار و حسن انوری. چاپ پانزدهم. تهران: قطره.

فروغی، محمدعلی (۱۳۶۸) *آئین سخنوری*. چاپ دوم. تهران: زوار.

فرهمند، محمد؛ فرامرز جلالت، و ابراهیم دانش (۱۳۹۶) «ذهن و زبان در نظریهٔ ارتباطی ابویعقوب سجستانی». *پژوهش زبان و ادبیات فارسی*. شمارهٔ ۴۵: ۲۱-۴۳.

کلینی، محمدبن‌یعقوب (۱۴۰۷ هـ ق) *الکافی*. به‌تصحیح علی‌اکبر غفاری و محمد آخوندی. چاپ چهارم. تهران: دارالکتب الاسلامیه.

کیکاووس‌بن‌اسکندر، عنصرالمعالی (۱۳۷۱) *قابوسنامه*. به‌اهتمام و تصحیح غلامحسین یوسفی. چاپ ششم. تهران: علمی و فرهنگی.

محمودی بختیاری، بهروز، و فائقه شاه‌حسینی (۱۳۹۶) «ادب کلامی سعدی: مطالعه‌ای گفتمانی برمبنای آرای سعدی». *مجموعهٔ مقالات نخستین همایش ادب کلامی و اجتماع*. به‌کوشش زهرا ابوالحسنی چیمه. تهران: نویسهٔ پارسی.

مولانا، جلال‌الدین (۱۳۹۳) *مثنوی معنوی*. به‌تصحیح حسن لاهوتی. تهران: میراث مکتوب.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1400.29.91.3.0]
[DOI: 10.61186/jpll.29.91.129]

نظامی، الیاس‌بن‌یوسف (۱۳۱۶) *شرف‌نامه*. به‌تصحیح حسن وحید دستگردی. تهران: مطبعهٔ ارمغان.
نظامی، الیاس‌بن‌یوسف (۱۳۳۱) *خسرو و شیرین*. به‌تصحیح حسن وحید دستگردی. تهران: کتابفروشی ابن‌سینا.
نظامی، الیاس‌بن‌یوسف (۱۳۸۹) *مخزن‌الاسرار*. به‌تصحیح بهروز ثروتیان. چاپ دوم. تهران: امیرکبیر.
نظامی عروضی، احمدبن‌عمر (۱۳۳۱) *چهارمقاله*. به‌تصحیح محمد قزوینی. به‌کوشش محمد معین. چاپ اول. تهران: ارمغان.